

**Manifestations of Citizenship Rights in Iranian Civil Law**

**Abstract**

Citizenship is one of the inherent rights of human beings and cannot be transferred or violated. It is indivisible and its elements are necessary and obligatory for each other, every member of society has the right to enjoy it, these concepts have become global today and have gained spiritual value. Some of these laws are found in constitutions and some in commercial laws and urban rules and regulations such as municipal law and even some customs. Of course, there are principles that are required by international law and principles that can be applied Sought fundamental and universal human rights; Therefore, in this article, the authors have explained the effects of citizenship rights in Iranian civil law with an analytical-descriptive method.

**Keywords:** Citizenship Rights, Human Rights, Urban Regulations, Urban Management.

محمد تبریزی شهری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۱

محمد حسین جعفری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹

ایرج حسینی صدر آبادی<sup>۳</sup>

چکیده:

حقوق شهروندی جزء حقوق ذاتی و فطری انسان‌ها نیز می‌باشد و قابل انتقال و نقض نمی‌باشد. تقسیم‌ناپذیر است و عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگرند، هر عضوی از جامعه استحقاق برخورداری از آن را دارد، این مفاهیم امروزه جهانی شده و ارزش معنوی پیدا کرده است. برخی از این قوانین در قوانین اساسی و قسمتی از آن در قوانین تجاری و مقررات و ضوابط شهری نظیر قانون شهرداری‌ها و حتی برخی عرف‌ها یافت می‌گردد البته هستند آن دسته از اصولی که براساس قوانین و اصول بین‌المللی لازم‌الرعایه می‌باشند که آنها را می‌توان در حقوق بنیادین و جهانی حقوق بشر جستجو کرد؛ از این رو نگارندگان در این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی به تبیین جلوه‌های حقوق شهروندی در حقوق شهری ایران پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، حقوق بشر، مقررات شهری، مدیریت شهری.

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

m.tabrizi.sh@gmail.com

<sup>۲</sup>استادیار گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسول)

vakeei@gmail.com

<sup>۳</sup>استادیار گروه حقوق، دانشگاه علوم قضایی، تهران، ایران

iraj.sadrabadi@gmail.com

با ورود به هزاره جدید نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود این روند رو به افزایش باشد، بسیاری از شهرها از فراهم کردن شرایط و فرصت‌های عادلانه برای ساکنین خود فاصله دارند، (۱) زندگی اجتماعی مستلزم این است که بین مردم روابطی وجود داشته باشد اگر این روابط به خودی خود گذارده شود و تحت نظم و قاعده‌ای در نیاید پیوسته تولید منازعات و یا زور و اجحاف می‌نماییم پس قواعد و قوانینی لازم است تا روابط بین افراد را به نحوی تنظیم نماید، قواعد اخلاقی اگرچه لازم و در مواردی کارا هستند ولی برای تنظیم روابط افراد و حفظ حقوق آنان ممکن است نارسا باشند. امروزه قانون سخت در کار است و از روابط تجاری گرفته تا اموال و مالکیت شهرسازی و مسائل خانوادگی همه را در نظر دارد. اشخاص به موجب قانون صاحب حق و تکلیف می‌شوند به عبارت دیگر یکی از منابع حقوق قانون است، حق در اینجا به معنی قدرت، توانایی و امتیازی است که شخص نسبت به دیگری یا مالی به موجب قانون کسب می‌کند (لنگرودی، ۱۳۸۶)

مانند حق مالکیت جمع این حق‌ها، حقوق فردی نامیده می‌شود حقوق همیشه به این معنا استعمال نمی‌شود، از جنبه عینی حقوق عبارتست از مجموعه مقررات و اصولی که در زمان معینی بر جامعه‌ای حکومت نموده و روابط بین آنها را تنظیم می‌نمایم. مقررات حاکم بر شهر و شهروندان پدیده‌ای ذاتاً تحول‌گرا و انعطاف‌پذیر هستند بر این اساس ضوابط و مقررات حاکم بر شهرها و شهروندان پیوسته بازبینی و اصلاح می‌شوند. این وظیفه به عهده طیفی از مراجع است که در این تصمیم‌گیری دخالت دارند، اما هستند حق‌های بنیادین که همواره رعایت آنها از ناحیه اداره کنندگان و شهروندان الزامی است و در قالب حق‌های و قوانین بین‌المللی تلقی می‌گردند.

هدف از این تحقیق شناسایی روابطی می‌باشد که براساس قوانین داخلی برای اداره شهرها و روابط فی‌مابین شهروندان حقوقی که می‌باید رعایت گردد با نظر به قوانین و اصول حقوق بشری که جنبه جهانی پیدا نموده می‌باشد و مقایسه‌ای در نحوه چگونگی اجرای آنها در ایران می‌باشد. از آنجائی که صرف زندگی مردم در شهرها ایجاد روابطی می‌نماید که از یک‌سوی بین شهروندان در جریان است و از یک‌سوی به‌طور فردی یا گروهی به مدیریت شهرها مرتبط می‌گردد همانند هر رابطه‌ای مستعد اختلاف یا تعارض است ضروری به نظر می‌رسد تا با شناسایی حق‌ها و تکالیفی که طرفین رابطه می‌باید بدان پایند باشند به انتظام ذهنی و عملی دست پیدا نمود که براساس آن ضمن شناسایی بایدها و نبایدها به حفاظت و صیانت از حقوق مربوط پرداخته شود فلذا در ابتدا به شناسایی و تحلیل واژگان کلیدی می‌پردازیم.

### مفهوم حق

حق را در فرهنگ لغت فارسی راست، درست، تصیب، بهره، عدل و انصاف معنا کرده‌اند و در فرهنگ اصطلاحات حقوقی گفته‌اند: حق به معنای قدرتی است که از طرف قانون به شخصی داده شده است. حق به این معنا دارای ضمانت اجراء است و آنرا حقوق تحقیقی و حقوق موضوعه و حقوق مثبت نیز گفته‌اند. حقوقدانان نیز هر یک به نوعی حق را

تعریف کرده اند گروهی گفته اند: حق نفعی است که از نظر حقوقی حمایت شده است، عده‌های دیگر گفته اند: حق عبارت از توانایی است که به اداره اشخاص داده شده و معتقدند که هر انسان بواسطه انسان بودنش می تواند برای خود امتیازی داشته باشد که مورد حمایت قانون است. (معین، ۱۳۸۶) برخی معتقدند: واژه حق بطور عام و یکسان برای دلالت کردن بر نوعی مزیت قانونی اعم از ادعا، امتیاز، قدرت یا مصونیت بکار می‌رود. استاد کاتوزیان در کتاب مقدمه علم حقوق می‌گوید: حق توانایی است که حقوق هر کشور به اشخاص می‌دهد تا از مالی بطور مستقیم استفاده کنند با انتقال مال و انجام دادن کاری را از دیگری بخواهند. لذا با توجه به تعاریف مختلف فوق میتوان گفت حق، امتیازی است که به موجب قانون به اشخاص داده شده است و قانون از آن حمایت میکند و اگر کسی آن امتیاز را نقض نماید با ضمانت اجرایی قانون مواجه خواهد شد به عبارت دیگر اختیار استفاده از امتیازاتی است که شهروند هر کشوری میتواند در سایه حمایت قانون از آن بهره مند گردند. البته این استفاده باید در چهارچوب قانون باشد و تعدی از قانون موجب واکنش اجتماعی خواهد بود چرا که هر حتی حدودی دارد و در برابر هر حق، صاحب آن تکالیفی به موجب قانون بر عهده می‌گیرد و همانطور که دیگران موظف هستند به امتیاز قانونی او احترام بگذارند و آن را مراعات کنند، او نیز مکلف به عمل متقابل است و قانون در مقابل هر امتیازی که میدهد تکالیفی نیز برای صاحب حق تعیین میکند. (کاتوزیا، ۱۳۸۱) برخی حقوقدانان برای شناخت حق، ارکان آن را به شرحی که ذکر می‌شود دسته بندی می‌کنند:

- ❖ دارنده حق
- ❖ موضوع با مورد حق
- ❖ رابطه بین دارنده و موضوع آن
- ❖ جزاء یا حمایتی که قانون از حق می‌نماید. در هر حال به نظر می‌رسد تعاریفی که از حق نگر شد برای شناخت آن کفایت کند.

### مفهوم حقوق

لغت حقوق در فرهنگ فارسی معین به جمع حق، راستی ها، وظایف، تکالیف، دستمزد و مجموعه قوانین، قواعد و رسوم لازم الاجرائی که به منظور استقرار نظم در جوامع انسانی وضع با شناخته شده، آمده است و این لغتنامه حقوق را از دیدگاه حقوق بشر به مجموعه ای از حقوق و اختیاراتی که به یک شخص به عنوان انسان و بدون در نظر گرفتن تژاد، ملیت، تابعیت با جنس او داده میشود تعبیر کرده است. در ترمینولوژی حقوق و کتب حقوقی نیز کلمه حقوق در معانی مختلفی بکار می‌رود از جمله: حقوق راجع کلمه حق دانسته اند و نیز حقوق در رشته حقوق اداری به معنای دستمزد کارمندان بکار رفته است. گاهی نیز آن را به معنی علمی که از قوانین موضوعه بحث می‌کند بیان کرده اند. همچنین حقوق را مجموعه قواعد و مقرراتی دانسته اند که بر اشخاص هر جامعه ای از این جهت که در یک اجتماع زندگی میکنند حکومت دارد. چرا که خواسته های هر انسانی متفاوت با دیگری است و هر شخص علاقمند است که از امتیازات بیشتری برخوردار باشد. بنابراین باید قواعد و مقرراتی در جامعه باشد که بتواند روابط بین اشخاص را تنظیم بخشیده و

آنان را ملزم به رعایت حقوق دیگر شهروندان و جامعه نماید. همانطور که در تعریف حق گفته شد قانون امتیازاتی برای هر یک از شهروندان قایل شده است. لذا لازم است مقرراتی برای نظم بخشیدن به این امتیازات وجود داشته باشد. برخی حقوقدانان ضمن تعریف حقوق به قواعدی که بر روابط اجتماعی بین افراد حکومت می کند معتقدند که به این قواعد در معنای وسیع قوانین نیز گفته میشود. (لنگرودی، ۱۳۷۸)

### حقوق شهروند

حقوق شهروندی یکی از مبانی فکری دموکراسی و مفاهیم اساسی زندگی دموکراتیک به شمار می رود و از شهروند از حقوق یونان باستان است که در مورد ساکنین یونان بکار رفته و دارای دو درجه بوده است، تعریف شهروندی از دولت شهرهای یونان باستان ارتباط فرد به دولت شهر بوده است حقوق شهروندی اساس تفکر، متفکران دوران رنسانس را تشکیل داد و در نظر آنان انسانیت فرد تنها به عنوان شهروند برخوردار از حقوق خود و جامعه آزاد تحقق می یابد شاید بتوان نقطه عطف این تحولات فکری را انقلاب کبیر فرانسه دانست که مفهوم شهروندی در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه به اوج خود رسید.

اما مفهوم شهروند و حقوق شهروندی در ایران در سالیان اخیر مورد توجه واقع شده گویا همگان به دنبال تعریف جدیدی از شهروند و حقوق شهروندی هستند البته با توجه به پیشرفت سریع بخش های صنعتی و فناوری اطلاعات و مخصوصاً آشنایی با حقوق دیگر کشورها تعریف شهروند و حقوق شهروندی و کلیه مسائل مربوط به این مفاهیم نیاز اساسی و فوری است حقوق شهروندی مربوط به آن بخش از حقوق عمومی و حقوق بشر است که حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهروندان را از حیث تابعیت سیاسی شان به شهر مورد شناسایی و محافظت قرار می دهد.

### حقوق شهری

حقوق شهری یکی از الزامات دنیای مدرن است از نخستین شاخص ها و نتایج مدرنیته، زندگی شهری است از نگاه علوم اجتماعی شهر یک واحد سازمان یافته است که بر مبنای قوانینی دقیق سامان می یابد هر چند که این معنایی به غایت موسع است، لیک تنها هنگامی به نقش شهر در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی بشر در دوره های مختلف می توانیم پی ببریم که این معنا را بپذیریم و مفهومی که شهروند در ارتباط با آن بازی می کند را متوجه شویم برای شناخت دقیق ابعاد حقوق شهری باید بر مفاهیم زیر تکیه نمود.

۱- حق بر شهر: حق بر شهر<sup>۱</sup> بنیانی ترین مسئله حقوق شهری به شمار می رود که نخستین بار نوبت هانری لوفر مطرح و به عنوان یکی از اساسی ترین جنبه های نظری برنامه ریزی شهری تلقی شد و به طور خلاصه ناظر به حقوق شهرنشینان فارغ از وابستگی یا تعلق سیاسی و فرهنگی است.

<sup>۱</sup> Right to the city

۲- **رژیم حقوق مدیریت شهر:** ساختار حقوقی اداره شهر، از اهم موضوعات مطروحه در زمینه حقوق شهری است جنبه‌ها و ابعاد مسئله شناختی این قضیه بیشتر به ساختار و تشکیلات شورای شهر، شهرداری و سایر ادارات شهری و قوانین مقرراتی است که بر آنها حاکم است سپس شهروندان از بحث حقوق و مسئولیت‌ها در مواجهه با تشکیلات اداری شهر مطرح می‌شود در همین راستا مشارکت‌جویی از شهروندان در اداره شهر به نحوی که تأثیر مستقیمی بر اداره خوب شهر داشته باشد، مسئله مهمی است که باید به آن پرداخته شود.

۳- **حقوق شهرداری:** شاید بتوان گفت قوانین و مقررات مربوط به شهرداری از پررنگ‌ترین بخش‌های حقوق شهری است بحث اموال و مالکیت شهرداری، خدمات عمومی مورد ارائه و موضوعاتی از قبیل تملک اموال و اراضی مورد نیاز شهر، قراردادهای شهری، تخریب‌ها و دعاوی علیه شهرداری از اهم موضوعاتی است که با قوانین متعارضی مواجه خواهیم شد که ممکن است به صورت سلیقه‌ای اعمال شوند صلاحیت محاکم برای رسیدگی به دعاوی شهری نیز از موضوعاتی است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۴- **تخلفات و جرائم شهری:** جرم شهری پدیده‌ای جرم شناختی و بیشتر اجتماعی است و خود در اشکال مختلفی از قبیل وندالیسم یا تخریب‌گری نشان می‌دهد اما بدین معنی نیست که پای حقوق به میان کشیده نشود به همین منظور باید نظام حقوقی کیفری یا شبه کیفری مناسبی برای جرائم شهری اندیشیده شود تا به تحمیل هزینه و جریمه بر مجرمان از ارتکاب و تکرار جرم پیشگیری به عمل آید علاوه بر این پاره‌ای از تخلفات نیز هستند که در قالب قانون شهرداری پیش‌بینی می‌شوند و بارزترین نمونه‌شان تخلفات ساختمانی است.

۵- **حقوق شهرسازی:** یکی از مسائلی که برنامه ریزان شهری و شهر سازان و حقوقدانان روی آن اتفاق نظر چندانی نداشته و همواره بر سر تفکیک و تعریف این موضوع اختلاف نظر وجود داشته اطلاق عنوان حقوق بر رشته‌های شهرسازی و معماری است در همین ارتباط برخی از نظر بر آن است که حقوق شهرسازی و یا حقوق معماری و از این قبیل عبارات صحیحی به لحاظ مفهومی نیستند و باید این‌ها را تحت عناوینی چون قوانین و مقررات و ضوابط شهرسازی و معماری آورد و آنچه از صحت برخوردار است همان حقوق شهری است که می‌تواند در معنای عام و خاص به کار رود. (۵)

۶- **حقوق ساختمانی:** حقوق ساختمانی شاخه‌ای از حقوق عمومی است که قوانین و مقررات مربوط به محدودیت‌ها و جریمه‌های مربوط به تخلفات ساختمانی، حق ارتفاق‌های ساختمانی سازی، حقوق مشاع مجاورین، تکلیف سازندگان، بیمه‌ها و تضمینات ساختمان‌ها، تفکیک و نظائر آن را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. (۶)

برخی حقوقدانان معتقدند حقوق ساختمان رشته‌ای ترکیبی از حقوق عمومی و خصوصی است حقوق ساختمانی در ایران پراکنده، و قوانین غیرمنسجم و گاهی ناکارآمد است و حضور دکترین و رویه قضایی در آن چندان پررنگ نیست.

**لزوم حاکمیت قانون بر حقوق شهری**

حاکمیت قانون (۱۰) آرمانی سیاسی است که نظام حقوقی ممکن است با درجات کمتر یا بیشتر دارا یا فاقد آن باشد، حاکمیت قانون را نباید با دموکراسی، عدالت، برابری (در قانون یا از جهات دیگر) خلط کرد، همچنین واضح و قابل فهم بودن قانون نیز یکی از ویژگی‌های است که برای تحقق حاکمیت قانون حیاتی است، چرا که قانون تنها در صورتی از قابلیت راهنمایی شهروندان و ویژگی تمام بودن و پیش‌بینی پذیری برخوردار است که در قالب عباراتی روشن و واضح تنظیم شده باشد حاکمیت قانون باید برحسب برداشت خاصی درک شود که به‌طور سنتی، دربرگیرنده ایده‌های قطعیت حقوقی، پیش‌بینی و ثبات باشد یکی از مؤلفه‌های اصلی حاکمیت قانون اثر بخشی و کارایی نظام قواعد است.

اگر قانون را صرفاً وسیله‌ای برای دستیابی حکومت به اهداف خاص مورد نظر خود تلقی نکنیم باید حاکمیت قانون را فراتر از صرف رعایت اصول قانونی بودن بدانیم. حاکمیت قانون، کاملاً قانونی بودن را پیش‌فرض می‌گیرد.

حقوقدانان و جامعه‌شناسان، قانون و حاکمیت قانون از یکسو، و دموکراسی از سوی دیگر را به عنوان موضوعاتی متفاوت فرض می‌کند در حاکمیت قانون سه ایده آزادی، حقوق بشر و برابری مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱- آزادی: آزادی به عنوان ایده‌ای بنیادین در فلسفه سیاسی مدرن یکی از مبانی حاکمیت قانون محسوب می‌شود که بر پایه سه پیش‌فرض استوار است نخست اینکه حاکمیت قانون چیزی جز ارزش آزادی نیست دوم اینکه حاکمیت قانون موجب حفظ و صیانت از آزادی است و سوم اینکه حاکمیت قانون در معنای ماهوی آن از آزادی و حقوق بشر غیرقابل تفکیک است.

نقش حاکمیت قانون در نسبت نظم و آزادی این است که برقراری نظم و انضباط در تعامل یکسان افراد با یکدیگر از یکسو و شهروندان با دولت از سوی دیگر است. طبعاً در برقراری حاکمیت قانون اقتدار قوه حاکم و قدرت فائده این نهاد بر شهروندان یکی از ملزومات اصلی شمرده می‌شود.

این اقتدار لازم برای برقراری نظم در مواقع بسیاری موجب محدودیت اعمال آزادی‌ها و به عبارت دیگر مسبب تعارض احتمالی میان نظم و آزادی است.

۲- برابری: یکی از مبانی حاکمیت قانون اصل برابری است دو برداشت شکلی و ماهوی از برابری وجود دارد، برداشت شکلی از برابری تساوی همگان را در مقابل قانون تأکید می‌کند اما برابری ماهوی از صرف توجه به برابر شکلی در مقابل قانون فراتر رفته و به محتوای قانون توجه دارد.

۳- اصل رعایت تشریفات قانونی

اصل رعایت تشریفات قانونی نیز همچون مفهوم حاکمیت قانون متشکل از برداشت‌های شکلی و ماهوی است، برداشت شکلی از اصل مورد بحث به شیوه و فرایندی مربوط است که حکومت باید به هنگام محرومیت یا محدود کردن اشخاص از برخورداری حقوقشان شیوه و فرایندی خاص طی نماید، اما برداشت ماهوی، به‌طور کلی، به حمایت از حقوق و آزادی‌ها خصوصاً آنهایی که در قانون اساسی تصریح شده یا حقوق بنیادینی که قانون اساسی تصریح نشده است بر می‌گردد. اصل

رعایت تشریفات قانونی حاوی قواعدی مشابه اصل عدالت طبیعی است چرا که محور آن، قواعد و فرآیندهای ضروری برای دادرسی عادلانه و اعمال اداری است.

### نسبت حقوق بشر و حقوق شهروندی

گفتمان‌های شهروندی و حقوق بشر گرچه پیوندها زیادی دارند، سرچشمه هر یک متفاوت است. شهروندی سیستمی هنجاری انگاشته نمی‌شود، زیرا پیوندهای وثیقی با ارزش‌ها و تحولات تاریخی اجتماعی دارد وانگهی ارزش‌های حقوق بشر داعیه جهان شمولی دارند ولی رکن پایه‌های شهروندی «تابعیت» است همچنین رابطه دوسویه حق و تکلیف مدارانه که وضعیت شهروندی را ایجاد می‌کند، در روابطی که حقوق بشر ایجاد کننده آن است، ماهیتی یک‌سویه و مطالباتی دارد.

مفهوم شهروندی همراه با دموکراسی در دولت شهرهای یونانی پدید آمد و در معنای باستانی خود بر مفهوم برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت سیاسی فعال دلالت داشته است شهروند بودن یعنی توانایی حکومت کردن و حکومت شدن که البته این امر برای افراد آزاد امکان‌پذیر بوده است. شهروند رومی شهروندی فعال با اعمال قدرت سیاسی نبود و فقط پاره‌ای حق و تکلیف طبق قانون داشت با پیدایش دولت - ملت‌ها بعد از قرارداد و وستفالی کنگره وین نظام موازنه قوا شکل گرفت و شهروندی اهمیت خاصی یافت در این میان لیبرالیسم سهم عمده‌ای در پیدایش مفهوم شهروندی همگانی داشت. در سده نوزدهم مفهوم شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و وظایف بود که رابطه میان دولت‌های ملی و یکایک شهروندان را معین می‌ساخت انقلاب فرانسه تأثیر مهمی در این مفهوم داشته است.

اگر ایده بنیادی شهروندی را حق تعیین سرنوشت بدانیم، یعنی اینکه حقوق شهروندی در پی تضمین سرنوشت هر شخص در اجتماع خود زندگی اجتماعی و تعیین حقوق و منافع برای او به واسطه شهروندی است، آنگاه شهروندی و تحقق مربوط به آن پیوند وثیقی با مشارکت شهروندان برای تعیین سرنوشت سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود خواهد داشت و شاید بهترین تعریفی که بتوان از حقوق بشر به دست داد، این تعریف باشد که «حقوق بشر حقوقی‌اند که افراد از جهت انسان بودن خود مستحق بهره‌مندی از آنها هستند، این حقوق برداشتی نوین و غیرمذهبی از حقوق طبیعی که خدادادی‌اند قلمدادی شود»

### قوانین و مقررات مربوط به شهر

مصادیق و نشانه‌های رعایت حقوق شهروندی در حقوق شهری ایران در هر نظام حقوقی مدون و پیشرفته‌ای می‌باید اصول پایه‌ای حق‌ها و مسئولیت‌ها را در قانون اساسی آن کشور جستجو کرد به تبع قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز دربرگیرنده، مفاهیم و اصول پایه‌ای قابل استنادی است که از جمله آن می‌توان به حقوق فردی و حقوق شهروندی شهروندان و حقوق جمعی ایشان اشاره نمود در اصل سوم قانون اساسی در بند ۳ به آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان اشاره شده، در بند ۹ رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه و در بند ۱۰ ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضروری در بند ۱۲ ایجاد رفاه و تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و در بند ۱۴ تساوی در برابر قانون از مواردی است که به حقوق شهروندان ایرانی اشاره دارد.



در اصل نوزدهم به تساوی حقوق مردم و شهروندان که تابعان دولت می‌باشند به دور از هر رنگ زبان و نژاد پرداخته است و اصل بیستم تساوی جنسیتی بین زن و مرد را البته با رعایت موازین اسلامی تأکید نموده. اصل بیست و دوم، حیثیت، جان و حقوق، مسکن و شغل افراد را از تعرض مصون داشته است و در اصل بیست و سوم آزادی اندیشه را تجویز نموده است از اصول بیست و پنجم تا اصل چهل و دوم بر یکسری از حقوق فردی و گروهی نظیر حق بر تابعیت، اصل برائت، دادرسی منصفانه، انتخاب وکیل، اصل استماع، اصل قانونیت، مسکن مناسب، شغل دلخواه و اجتماعات و احزاب و غیره می‌باشد.

در اصل هفتاد و نهم شرایط اضطرار که محدود کننده حقوق فردی و اجتماعی می‌تواند باشد تعریف و قیود آن مشخص گردیده است. اصل یکصد تا یکصد و ششم به استقرار شوارها که نماد تصمیم‌گیری مردم در نهادهای شهری می‌باشد تأکید نموده حق بر تعیین سرنوشت شهرها به وسیله شهروندان تضمین گردیده و زمینه مشارکت شهروندان را در مدیریت شهرها مشخص نموده است. اصول ذکر شده را می‌توان به مثابه پایه و اساس قوانین عادی موجود در خصوص حقوق شهروندی و حقوق شهری و شهروندی دانست که در ادامه به برخی از این قوانین اشاره می‌شود.

در قانون شهرداری‌های ایران این حق با حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن در مجموع قوانین مربوط به شوراها شروع می‌گردد بر این اساس هر شهروندی به شرط رسیدن به سن قانونی جدای از جنس و نژاد و قومیت به صرف ایرانی بودن امکان رأی دادن دارد البته نکته حائز اهمیت در اینجا افراد تبعه سایر کشورها می‌باشند که در شهرها سکونت گزیده‌اند و هر چند جزء تابعان دولت ایران نیستند اما بر اساس تعاریف ذکر شده و تئوری‌های موجود می‌توان آنها را شهروند تلقی نمود زیرا بر شهر و شهروندان تأثیر و تأثیر متقابل دارند به‌طور مثال در برخی کشورها این‌گونه افراد در انتخابات ملی و سراسری محدودیت داشته ولی در انتخابات محلی قادر به مشارکت می‌باشند.

اما در مورد حق انتخاب شدن در ابتدا شهروندان برای حضور در رقابت‌های انتخابات محلی قیدی از لحاظ سن و یا تحصیل و سایر عوامل تأثیرگذار نداشتند چه در بسیاری از انتخابات ملی و چه در انتخابات محلی ولیکن محدودیت‌هایش وضع گردید از جمله شرط مدرک تحصیلی که در خصوص آن می‌باید در فرصتی جداگانه بحث نمود ولی به‌طور کلی می‌توان گفت که معیار و مدرکی معتبر برای محدودیت بر شهروندان نمی‌باشد چه بسیار افرادی هستند که با تحصیلات پائین به لحاظ داشتن تجربه و یا محبوبیت و تأثیرگذاری برای حضور در تصمیم‌گیری‌های محلی مؤثرند. بنابراین در اینجا حقوق شهری، حقوق پایه‌ای شهروندی را به چالش می‌کشد. به‌واسطه اصل یکصد و سوم قانون اساسی و ماده ۷۶ و ۸۰ قانون شوراها، اسلامی شهر و روستا کلیه مقامات دولتی و محلی موظف‌اند نسبت به اعمال حاکمیت مردم به‌وسیله اجرای مصوبات قانونی شوراها مبادرت ورزند که در عمل شاهد هستیم بسیاری از تصمیم‌گیری‌های این نهاد در این موارد بی‌نتیجه مانده و توسط مقامات دولتی و یا عمومی به مرحله اجرا در نمی‌آید.

در خصوص حق بر بهره‌مندی از امکانات رفاهی و عمومی در قانون شهرداری‌ها به خصوص ماده ۵۵ آن اشاراتی گردیده از جمله وظیفه شهرداری‌ها در قبال شهروندان در ایجاد خیابان‌ها و کوچه‌ها و باغات عمومی و پارک‌ها و فاضلاب و آب بهداشتی، تأمین روشنایی و جلوگیری از خطر سیل و حریق و ایجاد بازارهای تأمین کالا و خدمات و جمع‌آوری زباله و

تأمین بهداشت عمومی شهر و رفع مشاغل مزاحم و تاسیس کشتارگاه‌های مجاز و تأمین حمل و نقل عمومی و ایمن و رفع ضروریات شهروندان به موجب این قسمت از قوانین شهری می‌باشد که با شدت و ضعف در نقاط مختلف کشور به مرحله اجرا درمی‌آید که اهمال در انجام و تحقق آنان نیز از موارد نقض حقوق شهروندی و قانون و حقوق شهری می‌توان قلمداد نمود.

### قوانین شهری محدود کننده حقوق شهروندی

براساس اصل تسلیط و قوانین مدنی هر شخص حق انتفاع و مالکیت بر اموال و املاک خود را دارد و می‌تواند نسبت به اعمال مالکیت خود اقدام نماید. بنابراین می‌توان گفت که هر فردی در محدوده‌ی مالکیت خود می‌تواند بنا به نیاز یا استطاعت خود احداث بنا به هر میزان و یا نوعی نماید ولیکن قانون‌گذار به موجب قوانین متعددی نسبت به تحدید این حق به لحاظ در نظر گرفتن نظم مصلحت جامعه اقدام نموده است از جمله این قوانین عبارتند از:

۱- ماده صد قانون شهرداری که می‌گوید «مالکیت اراضی و املاک واقع در محدوده‌ی شهر با حریم آن باید قبل از هر اقدامی از شهرداری پروانه اخذ نماید» و شهرداری می‌تواند از عملیات ساختمانی، ساختمان‌های بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه به وسیله مأمورین خود اعم از اینکه در زمین محصور یا غیر محصور باشد جلوگیری نماید که این ماده محدودکننده اصل مالکیت بوده و قید جلوگیری در زمین‌های محصور یا غیر محصور به نوعی جواز ورود به حریم شخصی و خصوصی تلقی می‌گردد.

بر اساس مفاد ماده ۱۰۰ کلیه تخلفات ساختمانی در کمیسیون مرکب از سه نفر عضو به ترتیب نماینده‌ی قوه قضائیه به معرفی دستگاه قضایی و نماینده دولت و وزارت کشور با معرفی وزارت کشور و استانداری‌ها و یک نفر از اعضاء شورای اسلامی همان شهر رسیدگی می‌گردد از آنجائی که این مرجع به عنوان مرجعی شبه قضائی وارد حل و فصل این مخاصفات می‌گردد و بر مال و آبرو و منافع شهروندان تأثیری شگرف دارد رعایت اصول دادرسی منصفانه در آن الزامی به نظر می‌رسد از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱- علنی بودن رسیدگی: علنی بودن رسیدگی از مواردی است که اغلب اسناد بین‌المللی و نوشته‌های مربوط به دادرسی منصفانه مورد تأکید واقع شده مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۲۲۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق و ماده ۲۰ اساسنامه کیفری برای روندا.

هدف اصل از اصل علنی بودن دادگاه را می‌توان چنین دانست: ۱- جلب اعتماد عمومی ۲- جلوگیری از تشکیل دادگاه سری ۳- نظارت عمومی بر عملکرد دادگاه و جلوگیری از فساد ۴- بالا بردن شان رأی صادره.

۲- حضور مردم و رسانه‌ها در دادگاه: حضور مردم و رسانه‌ها می‌تواند به عنوان مانعی برای فساد قضائی به شمار رود که با حضور خود اقدام به اعمال نظارت می‌نماید.

۳- ارائه استدلال و استنادات قانونی برای تصمیمات اتخاذ شده: خودسری یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند تمامی تمهیدات قانونی و ساختاری را که جهت بررسی یک دادرسی منصفانه صورت گرفته عقیم و بی‌اثر کند.

۴- امکان دسترسی به اسناد و مدارکی که دادگاه در اختیار دارد: دسترسی عمومی به اسناد و مدارکی که دادگاه حکم خود را بر اساس آن صادر کرده است از شیوه‌های مهم نظارت عمومی بر عملکرد دادگاه است. امکان دسترسی به اسناد به عنوان یکی از مصادیق شفافیت قضائی تلقی می‌گردد.

۵- امکان دسترسی به آراء دادگاه: امکان دسترسی به آراء صادره از این‌رو اهمیت دارد که از آن می‌توان به عنوان یک شیوه نظارت بر عملکرد دادگاه استفاده کرد.

الف - با امکان نظارت عمومی بر آراء دادگاه خود را ملزم به این می‌داند که آرائی صادر نماید که دارای کیفیت بالا باشد.

ب - با انتشار این آراء سطح آگاهی حقوقی جامعه افزایش می‌یابد.

ج - با امکان دسترسی به آراء نقاط ضعف و قوت آراء نهاد قضائی به‌طور ملموس مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۶- استقلال و بی‌طرفی نهاد قضائی: لزوم استقلال و بی‌طرفی نهاد قضائی از اصول دادرسی منصفانه محسوب می‌شود، استقلال بدین معنا است که دادگاه در صدور رأی نباید تحت تأثیر سایر نهادها و یا اشخاص باشد. و دیگر اینکه دادگاه به دعاوی تنها به آنچه اتفاق افتاده و در قانون آمده توجه کند، استقلال و بی‌طرفی تا حدودی لازم و ملزوم یکدیگرند.

استقلال را در دو سطح استقلال ساختاری و استقلال در رسیدگی می‌توان شناسایی کرد و بی‌طرفی در دو سطح بی‌طرفی عینی و بی‌طرفی ذهنی تقسیم می‌شود.

۷- امکان دفاع یا لزوم تساوی سلاح‌ها: تساوی سلاح‌ها از چند طریق ایجاد می‌شود: ۱- برخورداری از امکانات و تسهیلات کافی برای دفاع ۲- برخورداری از مهلت کافی جهت تدارکات پرونده ۳- اطلاع‌رسانی در خصوص ادله و استدلال‌ات طرف مقابل ۴- تساوی اشخاص در مقابل نهاد قضائی ۵- برخورداری از حق مشورت و داشتن وکیل ۶- داشتن معاضدت قضائی و مترجم ۷- رعایت قانون. حال با کمی مذاقه در روند آراء این کمیسیون و کمیسیون ماده ۷۷ که به دعاوی و اختلافات شهروندان و مؤدیان با شهرداری می‌پردازد در می‌یابیم که بسیاری از این اصول بنیادین به‌طور کامل به اجرا در نمی‌آید و در واقع در اینجا نیز حقوق شهروندان در مراجع و دستگاه‌هایی که متولی حقوق شهری می‌باشند ممکن است تضییع گردد.

### قوانین سلب مالکیت و تملک اراضی به مثابه ابزار علیه حقوق شهروندی

بنابراینچه گفته شده حرمت مالکیت در اسلام و قوانین اساسی و موضوعه ایران تأکید شده از سوی دیگر بنابر مصالح جامعه در هر کشور یکدست از قوانینی که به لغو مالکیت و یا تملک اموال و املاک شهروندان می‌پردازد وجود دارد که هرچند نفع کلی شهروندان را به صورت جمعی در بردارد ولیکن بر حقوق فردی اشخاص صدماتی وارد می‌نماید از جمله آن می‌توان به قوانین تملک در نظام حقوقی ایران اشاره کرد که پس از اجرای قانون اصلاحات اراضی که با مخالفت علماء همراه بود.

قوانینی در مجموع قوانین شهری و شهرداری وجود داشت که بر اساس آن چنانچه برای بازگشائی معبر و ایجاد امکانات ضروری شهر نیاز باشد امکان لغو مالکیت و تملک قهری مسیری بود، اما پس از پیروزی انقلاب شاهد تصویب قانون اراضی شهری و سپس اصلاح آن با قانون زمین شهری بودیم که علیرغم عدم وجود طرح مصوب و نیاز شهری بر اساس موازین دیگری اموال و املاک مردم و شهروندان به تملک دولت درمی‌آید تا اینجا یک قسمت از بحث است ولیکن قسمت بعدی و مهم‌تر نحوه‌ی جبران آن برای مالکین بود که برخلاف قانون قبلی شهرداری و قانون نحوه‌ی خرید و تملک اراضی مورد نیاز دولت و شهرداری‌ها مصوب اسفند ۱۳۵۸ و قانون نحوه‌ی تقویم آن در اینجا بهای عادلانه پرداخت نمی‌گردید که به نظر نگارنده واجد ایرادات بنیادین قانونی و مغایرت با احکام شرعی می‌باشد علی‌ایحال در حال حاضر تملک اراضی دولت و شهرداری‌ها در شهرها بر اساس قانون نحوه‌ی خرید تملک اراضی مورد نیاز دولت و شهرداری‌ها مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب ملاک عمل می‌باشد که در آن قیودی دارد از جمله نبود اراضی ملی و دولتی برای آن هدف، تأمین اعتبار لازم، وجود طرح مصوب، تصویب بالاترین مقام اجرائی و ضرورت اجرای طرح، غیرانتفاعی بودن طرح مورد نظر و در نهایت نحوه‌ی تقویم و برآورد عادلانه ملک مورد تملک که می‌باید جهت حفظ حقوق شهروند و رعایت موازین حاکمیت قانون مراعات گردد. با کمی دقت در آراء صادره از شعب دیوان عدالت در مورد لغو و بی‌اثر نمودن اقدامات نهادهای شهری در خصوص تملک املاک و اراضی آنان می‌توان دریافت که این پروسه تا چقدر بد اجرا و اعمال می‌گردد و در پناه توجیه منافع عمومی چگونه حقوق فردی و مالکیتی افراد در معرض تضییع قرار می‌گیرد بنابراین یکی از جلوه‌ها و مصادیقی که حقوق شهروندان مورد تجاوز قرار می‌گیرد این‌گونه موارد است که از لحاظ مالی و روانی برای شهروندان بسیار اساسی تلقی می‌گردد و نقض آن می‌تواند طیفی از اصول و موازین بنیادین حقوق شهروندی را شامل شود.

### قواعد و قوانین تحدید کننده مالکیت و انتفاع و بهره‌برداری از املاک و اراضی

همان‌طور که مکرر ذکر گردید اصل بر حق انتفاع بر املاک و اراضی می‌باشد ولیکن یکدسته از قوانین یا ضوابط و قواعدی در حقوق شهری وجود دارد که بنام قواعد و مقررات شهرسازی و ساختمانی شناسایی می‌گردد. این دسته از قوانین، ضوابطی هستند که بر اساس آن توسعه و شکل‌گیری شهرها صورت می‌پذیرد و بر اساس عمل کارشناسان شهرسازی و معماری و نظریه‌های موجود در قالب قانون یا ضابطه به مرحله اجرا درمی‌آید و بر اساس آن محدودیت‌هایی از حیث تراکم، ارتفاع، کاربری، سیما و منظر و ارتفاع بر املاک تحمیل می‌گردد که از نگاه دیگر می‌تواند ضامن تحقق حقوق ارتفاعی املاک و اراضی نسبت به یکدیگر باشد ولیکن به هر حال ایجاد محدودیت‌های عمده‌ای برای شهروندان می‌نماید به نحوی که می‌تواند در وضعیت زندگی و اوضاع اقتصادی آنان نقشی بزرگ ایفا نماید. بهره‌روی این محدودیت‌ها در قالب طرح‌های شهرسازی و طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها عموماً پذیرفته شده البته با قید کارشناسی بودن و مصوب شدن توسط مراجع قانونی بر مبنای دلائل قانونی زیرا چنانچه بر اساس رفتار دلبخواهانه عمل شود منجر به سلب حقوق افراد و ایجاد بی‌اعتمادی می‌نماید. اساساً نهادهای تصمیم‌گیری در این مورد و موارد مشابه جزء ادارات و نهادها عمومی و دولتی قرار دارند و از مصادیق اداره می‌باشند و از تعاریف ذکر شده برای اداره خوب می‌توان به این موارد اشاره نمود که به‌طور خلاصه بر اساس ایده اداره خوب تصمیمات اداری باید مستدل بوده و مقام تصمیم‌گیرنده مکلف است که با ارائه دلایل و مستندات کافی، تصمیمات

خود را توجیه کند و همچنین شهروندان حق مشارکت در جریان تصمیماتی را دارند که حقوق و آزادی‌ها و منافع آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد که منجر به حمایت از کرامت شخصی، تقویت مشارکت شهروندان و ایجاد شفافیت و پاسخگویی، تقویت موجه سازی می‌گردد. بنابر تعریف نهاد ناظر اروپایی "بد اداره کردن زمانی است که یک نهاد عمومی در اقدام منطبق با یک قاعده یا اصلی که مکلف به اعمال آن است، کوتاهی می‌کند."

رعایت ۱- اصل قانونی بودن ۲- اصل برابری و عدم تبعیض ۳- اصل تناسب ۴- اصل معقول بودن ۵- اصل بی‌طرفی ۶- اصل تصمیم‌گیری واقع‌گرایانه ۷- اصل شفافیت ۸- اصل ممنوعیت سوءاستفاده از اختیارات ۹- اصل احترام به حریم خصوصی از جمله اصولی است که مقامات تصمیم‌گیر در این‌گونه موارد باید مراعات نمایند. بر اساس ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری این وظیفه بر عهده کمیسیونی مرکب از اعضاء ذکر شده در قانون می‌باشد که رعایت اصول فوق در آن می‌باید به‌درستی انجام پذیرد مع‌الوصف سهم بسیار عمده‌ای از مرافعات شهروندان با مقامات اداری صلاحیت اختیاری در این حوزه می‌باشد که چنانچه این قانون را به‌درستی در زمره قوانین در حوزه‌ی حقوق شهری شناسایی نمائیم چالشی را در این زمینه به نمایش می‌گذارد که می‌باید مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد. از دیگر قوانین مربوط به این حوزه به قوانین و ضوابط نظام مهندسی می‌توان اشاره کرد که در رابطه مستقیم و مستمر با شهروندان می‌باشد زیرا به‌واسطه رعایت آن و سایر ضوابط از جمله مقررات ملی ساختمان و آئین‌نامه‌های احداث بنا خصوصاً آئین‌نامه ۲۸۰۰ مالکین و شهروندان مکلف به رعایت مندرجات این قوانین و بخشنامه‌ها می‌باشند که در جهت ایمن‌سازی و رعایت اصول فنی و بهداشتی اماکن و بناهای احداثی می‌باشد به‌طوری که قانون‌گذار با جرم‌انگاری در پاره‌ای از موارد نقض آن ضمانت اجرای کیفی برای آن قائل شده که نشان از اهمیت منافع جامعه و مصالح عمومی می‌نماید که شهروندان ملزم و مکلف به تبعیت از این ضوابط در حقوق شهری می‌باشند.

### محیط‌زیست و رابطه آن با حقوق شهری و شهروندی

قوانین مربوط به محیط‌زیست و جلوگیری آلودگی و حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از تخریب یا نابودی آن هرچند اغلب به‌وسیله قانون‌گذار کشوری تصویب گردیده ولیکن اجرای آن در شهرها و نقاط سکونتی با ادارات محلی و عمومی بوده و شهروندان و ذی‌نفعان نقش اساسی در التزام به آن و یا نقض تخطی از آن را بر عهده دارند، این قوانین در حوزه حقوق عمومی و مرتبط با حقوق شهری بوده و در دو زمینه ۱- حفظ و گسترش فضای سبز و منابع طبیعی ۲- جلوگیری از آلودگی و آلودگی محیط‌زیست می‌باشد. لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹/۳/۳ و اصلاحات مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۱۴ مجلس و تصویب ۱۳۸۸/۴/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام به حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان در محدوده شهرها و حریم آن اشاره دارد که برای نهاد شهرداری وظیفه شمارش و شناسایی و پلاک کوبی آنان را و برای مردم و شهروندان خودداری از قطع و جابجایی بدون مجوز را شناسایی نموده است که در آن حتی پیش‌بینی شده چنانچه قطع درخت منجر به از بین رفتن باغ باشد همه‌ی زمین به نفع شهرداری ضبط می‌گردد تا به مصرف خدمات عمومی شهر و محرومین برسد که در آن هیچ‌گونه اشاره به پرداخت بهای ملک مورد مصادره نشده که حمل بر عدم پرداخت می‌باشد.

امروزه جرائم محیط زیستی از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که حتی برخی مصوبات و معاهدات بین‌المللی آن را در زمره جنایات علیه بشریت تلقی نموده‌اند ولیکن در خصوص قطع درختان و مصداق از بین رفتن آن و تفکیک و خانه‌سازی، قیود ذکر شده تفکیک و خانه‌سازی خود از مواردی است که دستگاه متولی ملزم به پایش و کنترل آن می‌باشد و به‌صورت ناگهانی و فوری اتفاق نخواهد افتاد بلکه پروسه‌ای است که زمان بر بوده و در خصوص تفکیک و خانه‌سازی، شهرداری‌ها و ادارات ثبت دارای وظیفه می‌باشند به‌طور مثال در مورد شهرداری نظریات حقوقی در قوه قضائیه وجود دارد که چنانچه شهرداری وظیفه جلوگیری را انجام نداد بعداً نمی‌تواند تقاضای رسیدگی و تخریب نماید که این تعارض در قوانین موجب سردرگمی می‌تواند باشد در هر صورت رعایت اصل تناسب به معنی متناسب بودن مجازات با عمل ارتكابی نیز در اینجا باید مورد علاقه قرار گیرد بهر حال شهروندان مکلف به رعایت این ضوابط و مقررات بوده و به‌عنوان شهروند مسئول می‌باید بدان پایبند باشند قانون دیگر، قانون نحوه‌ی جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ با آئین‌نامه‌های اجرای آن می‌باشد که به سه دسته منابع آلوده کننده را دسته‌بندی نموده است.:

الف - وسائل نقلیه موتوری

ب- کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها

ج- منابع تجاری و خانگی و منابع متفرقه

بر اساس آن نیروی انتظامی و شهرداری‌ها و برخی نهادها اجرائی دیگر می‌توانند در صورت نقض قانون و اقدام به آلاینده‌گی در موارد سه‌گانه فوق طرح‌های محدود کننده نظیر محدودیت‌های ترددی و ترافیکی و یا منع تردد برخی وسائل و با تعطیل و جابجایی کارگاه‌ها و کارخانجات را به لحاظ حفظ حقوق سایر شهروندان اعمال نمایند. بنا به دلایل قانونی و عقلی و حفظ منابع و شهرها برای نسل آینده و جلوگیری از بیماری و خطرات جانی و مالی برای سایر شهروندان افراد ذی‌نفع مکلف‌اند با رعایت قانون نسبت به اجرا آن به‌عنوان ضامن نظم و بهداشت عمومی جامعه اقدام نمایند. بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها در این خصوص جامعیت داشته و موارد متعددی را در برمی‌گیرد.

### نتیجه‌گیری

رهبران سیاسی مقامات اجرائی که برخی انتخابی و برخی دیگر انتصابی هستند کشور را اداره می‌کنند قلمرو صلاحیت آنها ملی و شامل تمام مناطق کشوری شود. در مقابل مدیر شهر، شهردار و ناظر آن شورای شهر است. قلمرو عملکرد آن محلی و تصمیمات آن در منطقه خاصی از کشور که شهر نامیده می‌شود معتبر است. قانون تصمیمات کشوری شهر را تعریف می‌کند و قانون شهرداری بیان می‌دارد "هر منطقه‌ای که به‌عنوان شهر شناخته می‌شود، در آنجا شهرداری تاسیس می‌شود." قلمرو جغرافیایی شهر و محدود فعالیت شهرداری بر یکدیگر منطبق هستند که شامل مناطق آزاد تجاری، مناطق ویژه اقتصادی و برخی شهرهای جدید نمی‌گردد.

شورای شهر یک پارلمان محلی با صلاحیت محدود است. محدودیت جغرافیایی و قانون گذاری دو ویژگی این نهاد مدنی هستند که آنرا از پارلمان و مجلس قانون گذاری متمایز می سازد. افزون بر آن این دو نهاد توسط دو مرجع متفاوت کنترل می شوند، فرمانداری ها و دیوان عدالت اداری با شیوه های متفاوت می کوشند قدرت کلی را در مسیر قانونی هدایت کنند. تقاضای ابطال مصوبات غیر قانونی شورای شهر و شهرداری ها یکی از حقوق قانونی شهروندان است. شهروند و حقوق شهروندی یکی از مباحث مهم در این زمینه است. شهروندی مبین رشد و تعالی حقوق آدمی است. عناصر این مفهوم عبارتند از:

فرمانبری از قانون و فروتنی در مقابل آن ویژگی است که ضامن برقراری نظم اجتماعی است. نافرمانی مدنی و مشارکت در امور ملی و محلی. این خصوصیت آزادی را تضمین و مردم سالاری را گسترش می دهد، در یک جامعه متمدن، حق اعتراض به شیوه ای قانونی و غیر خشن ابراز می شود، قدرت عمومی از این حق حمایت می کند، لیکن رفتارهای مخرب (وندالیسم) نسبت به اموال و تاسیسات عمومی غیر قابل تحمل است. "آزادی" و "مالکیت" دو حق بنیادین به شمار می آیند که مورد توجه اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و قانون اساسی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۵۸ قرار گرفته اند. اینها مفاهیم مطلق نیستند. آزادی انسان تا حدی که به آزادی دیگری لطمه وارد نکند محترم است. او ناگزیر است بخشی از آزادی خود را برای دوام اجتماع و برقراری نظم و امنیت قربانی نماید. میزان و قلمرو محدودیت ها در یک جامعه مردم سالار توسط قانون تعیین می شود.

در طول تاریخ شهرنشینی با پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، ارتقاء ادبیات و تحصیل، بهبود سلامت و دسترسی بیشتر به خدمات اجتماعی و اشتراک فرهنگی، سیاسی و مذهبی همراه بوده است فرهنگ و حقوق دو مفهوم مکمل و تأثیرگذار بر شیوه رفتار شهرنشینان هستند، حقوق شهری که ضوابط و مقررات مربوط به شهر و فضای آن را مورد مطالعه قرار می دهد می کوشد از یک سو موانع قانونی تحقیق برنامه های شهری را برطرف نماید و از سوی دیگر تلاش می کند شیوه هایی را برای حفظ حقوق شهروندی کشف و پیشنهاد کند.

منابع حقوق شهری گوناگون هستند: قانون اساسی، قوانین قبل و بعد از انقلاب (قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴) نظریه های شورای نگهبان قانون اساسی در رابطه با اعلام بی اعتباری قوانین سابق (ابطال ماده ۲۴ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۹، آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری، مصوبات شورای عالی معماری و شهرسازی و ... از آن جمله اند.

شهر پیوسته در حال دگرگونی است این ویژگی موجب می شود حقوق شهری نیز پویا و متحول باشد این رشته رزمگاه حقوق خصوصی و عمومی است نبرد این دو نبردی نابرابر است.

فرهنگ شهری یعنی کمتر و بهتر مصرف کردن، به دیگران و محیط زیست احترام گذاشتن، شهر را ادامه خانه دانستن، احساس تعلق به آن را تقویت کردن، روحیه پرسشگری را ترویج دادن و مشورت خواهی را تحقق بخشیدن، اندیشه های سازنده را برجسته کردن، به منتقدان مهرورزی کردن، چگونگی حکومت بر شهروندان را آموختن، دموکراسی را به انتخابات

محدود نکردن، به مردم به عنوان مالکان شهر نگرستن و با آنان گفتگو کردن و سرانجام به موازات حق خواهی، تکالیف و مسئولیت‌های شهروندی را به درستی انجام دادن.

شه‌سازان شهر را از جهات گوناگون تقسیم‌بندی کرده‌اند از دیدگاه حقوقی هم می‌توان آن را به شهرهای فرمانبر و سرکش تقسیم کرد، خود کامگی مدیران شهری و نقض قوانین و غفلت از حقوق شهری و شهروندی نباید به امری عادی مبدل گردد یکی از دغدغه‌های مهم بشر در قرن حاضر مسئله شهر و شهرنشینی و مدیریت شهری است بنابراین شهرداری‌ها به عنوان نهادهای غیردولتی و محلی شایسته نقش‌های مهم‌تری در امور فرهنگی اقتصادی و زیست‌محیطی هستند در کشور ایران، نظریه تمرکززدائی به منظور انتقال قدرت عمومی به نهادهای محلی به نحو کامل محقق نشده است، برای اجرای این هدف می‌توان از قابلیت‌های قانون اساسی بهره‌برداری کرد، انتقال قدرت باید به شیوه‌ای خردمندانه صورت پذیرد، به همراه نظارت دقیق قضایی و اداری با توسعه مشارکت مدنی در برنامه‌ها و تصمیمات مهم محلی از عوامل مهم توسعه شهری در یک کشور محسوب می‌شوند.

منابع

- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ۱۳۸۶، ۲۴۲
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوقی، ۱۳۷۸، ۲۱۴
- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، ۱۳۸۸، ۲۵۰
- گزیده، منشور جهانی حق به شهر ترجمه حمید ابراهیم پور
- کاتوزیان ناصر، مقدمه علم حقوق ص ۱
- زارع، سجاد / رمضان بور رحمان منابع فرا ملی حقوق شهروندی
- کامیار غلامرضا حقوق شهری و شه‌سازی
- عمید حسن، فرهنگ عمید ص ۶۸۸
- مرکز مالگیری احمد حاکمیت قانون
- فلاح زاده علی محمد مجله حقوق دادگستری شماره ۵۸ بهار ۱۳۸۶
- هاروی دیوید، ترجمه، خسرو کلانتری، حق بر شهر